



علی صوفی مطرح کرد:

احتمال ریاست موسوی خوئینی‌ها بر شورای عالی سیاست‌گذاری

گروه سیاست: علی صوفی، وزیر تعاون دولت اصلاحات درباره اظهارات پیشین خود مبنی بر احتمال حضور موسوی خوئینی‌ها در کرسی ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفت: «در حقیقت تغییری در شورای عالی...

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹ • ۱۹ صفر ۱۴۴۲ • ۱۷ اکتبر ۲۰۲۰

تیترا

کارزار یا کارناوال انتخاباتی

صفحه ۳

نگاهی به دولت چهارم

آخرین نخست‌وزیر

صفحه ۲

بررسی تصاویری غیرواقعی که از اقتصاد ساخته می‌شود

عده‌های عجیب ارزی

صفحه ۴

پرسپولیس قربانی جریان نفوذی؟

صفحه ۱۱



یک کتاب دکنویسنده

آشوران علی‌اشرف درویشیان
به‌روایت احمد غلامی و سعید رضوانی
اعلام جمهوری ادبیات
علیه‌ترور ریسم ادبی

صفحه ۶

حرف اول

صبگاه کویت

علیرضا عثانی^۱



۱. یک هفته از درگذشت شیخ صباح، امیر کویت می‌گذرد. در این فاصله کوتاه، انتقال قدرت از امیر پیشین به امیر جدید به راحتی انجام شد. به این ترتیب امیر نواف ولیعهد کویت، جایگزین برادر ناتنی فقیدش شد و تکلیف راس هرم قدرت به سادگی معلوم شد. این تغییر آرام و نهادی می‌تواند گویای آن باشد که حداقل تا زمانی که شیخ نواف، زمام امور کویت را عهده‌دار است، تغییری در روش، منش و کنشگری کویت در ساحت سیاسی داخلی و موضوعات سیاست خارجی کویت به وجود نخواهد آمد و نمی‌توان شاهد مسیرهای متفاوتی نسبت به گذشته کویت و پس‌لرزه‌ای ناگهانی بود. به عبارت دیگر این انتظار دورازدهنی است که با درگذشت شیخ صباح الاحمد امیر پیشین، منش‌ها و کنش‌های اجتماعی و سیاسی کویت ناگهان در هم ریزد و منطقه و جهان با کویت جدیدی مواجه شود و بنابراین نمی‌توان با برشی، کویت امیر نواف را از کویت امیر شیخ صباح جدا کرد.

۲. شاید آنچه کویت را در عرصه داخلی از برخی همسایگان خود متمایز می‌کند، تنوع نهادهای اجتماعی، مذهبی و سیاسی در این کشور است. وجود یک مجلس منتخب که به آسانی در برابر دولت به ایفای نقش مدنی می‌پردازد و جریانات مختلف سیاسی و اجتماعی را در خود جای داده است، یکی از متغیرهای مهم جامعه سیاسی و مدنی کویت به شمار می‌آید. فعالیت رسانه‌هایی که جز درباره امیر و رئیس کشور و یکی، دو عنصر سیاسی، کمتر خط قرمزی را رعایت می‌کنند، نقش مؤثری در شکل‌دهی امور مختلف دارند. واقعیت و سیلان جریان اجتماعی در قالب دیوانیه‌ها و انجمن‌ها در کویت مانند کردورها و مجاری اجتماعی، محلی برای تعاملات جامعه با قدرت و تبادل اطلاعات است. دیوانیه‌ها مانند آنچه امروزه به نام شبکه‌های اجتماعی در قالب مجازی آن جاری است، از گذشته‌ای دور در قالب حقیقی آن در کویت مشهود بوده است.

آنچه به عنوان نمونه گفته شد، از شاخص‌های متمایز کویت به نسبت محیط پیرامونی خلیج فارسی خود است که از گذشته‌ای دور با ذات کویت تنیده شده و به بخشی جدایی‌ناپذیر از کویت بدل شده است.

۳. در عرصه خارجی نیز کویت در سال‌های متعددی با اعتدال و توازن در منطقه رفتار کرده و نسبت به مسائل منطقه تصمیمات سیاسی میانه‌ای اتخاذ کرده است.



امیر ثامن^۲

آمایش؛ غول چراغ جادوی توسعه

می‌برند. آن هنگام که به دستگاه‌های اجرایی و حوزه انتخابیه می‌روند، برای تحقق وعده‌های انتخاباتی خام خود و سهم‌بری بیشتر از منابع ملی برای مردم حوزه انتخابیه خویش، آن کار دیگر می‌کنند! بسیار فراوان هستند طرح‌ها و پروژه‌های که خلاف‌آمد اسناد توسعه و منابع و قابلیت‌های محیطی، صرفا با بهره‌گیری از روابط و تکیه بر ابزارهای اعمال فشارهای مختلف به دولت (طرح سؤال، استیضاح و تحقیق و تفحص) در جای‌جای کشور به‌صورت ناروا اجرا شده‌اند؛ از انتقال پرسروصدای فولاد بندرعباس در اوایل دهه ۱۳۷۰ به اصفهان تا پافشاری به احداث فولاد قانات هستند طرح‌ها و پروژه‌های که خلاف‌آمد اسناد توسعه در سرزمینی بی‌آب، بدون راه، زیرساخت و دسترسی به مواد اولیه‌تعدد و پراکنش نامتوازن، قارچ‌گونه و غیراقتصادی واحدهای شیمیایی و پتروشیمی، خوردوسازی و قطعه‌سازی، فولاد و فلزات اساسی، فرودگاه‌ها و... در سراسر سرزمین، بی‌توجه به اولیه‌ترین اصول اقتصادی از جمله صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و تجمع، شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش، پارانه‌های آشکار و پنهان، بهره‌وری عوامل تولید، قیمت‌تمام‌شده نیز حل‌نشدۀ باقی‌بماند، مگر آنکه طرحی نو برای تحول در شالوده‌های نظام برنامه‌ریزی کشور در حوزه نظری و عملی در دستور کار قرار بگیرد. سال‌هاست که بسیاری از مسئولان اعم از وزرا و استانداران، نمایندگان مجلس و صاحب‌نظران، در پاسخ به چرایی پیدایش و تعمیق چالش‌ها و بحران‌های کشور مانند نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها، بحران‌های محیط‌زیستی، راهش‌دگی بخش‌های قابل توجهی از سرزمین و عدم بهره‌گیری متناسب از قابلیت‌ها و مزیت‌های کشور، آدرس فقدان وجود «آمایش سرزمین» را می‌دهند و آن را نسخه شفابخش عبور از گرفتاری‌ها و آفات مبتلا به مدیریت کشور قلمداد می‌کنند. این ایام که مدام برای پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و ابهام‌های نمایندگان مجلس یازدهم و شنیدن نظرات و دیدگاه‌های آن، در راهروهای مجلس و از این کمیسیون به آن کمیسیون، در حال ارائه گزارش عملکرد اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین بوده‌ایم یا در سال‌های اخیر که در جلسات شوراها، کمیته‌ها و کمیسیون‌های دولت حضور پیدا می‌کنیم، با تعابیر و تفاسیر متفاوتی از جایگاه و مأموریت‌های آمایش سرزمین مواجه شده‌ایم که حاوی تناقض‌های عجیب و انتظارات غریبی است. در درون مجلس شاهد آن هستیم که وکلای ملت در بیانات و نطق‌های پرشور خویش، به‌عنوان یک واقعیت تلخ مفروض دانسته و کاربست «آمایش سرزمین» برای عبور از کاستی‌ها و نارسایی‌ها را نפתها ضروری، بلکه حیاتی می‌دانند، اما وقتی همین گویندگان که جلوه آمایش را بر تریبون کمیسیون

حسن روحانی به توصیه ستاد مقابله با کرونا به جلسه سران نرفت

اصل و حاشیه لغو جلسه سران قوا

صفحه ۹



عکس: سپهر تاجی، شرق

محمدحسین عادل^۱، کارشناس اقتصاد و روابط بین‌الملل

بایدن فرصت مناسبی برای ایران است

● **بایدن باید قبل از هر چیز به شیوه عملی اعتماد ایران را برای مذاکره دوباره جلب کند**

● **آنچه با جنگ نتوانسته بودیم به دست بیاوریم (نظیر حدود مرزها) با مذاکره به دست آمد**

● **اگر انعطاف‌پذیری در زمان خود و به موقع نباشد آنگاه منافع لازم را تأمین نمی‌کند**

صفحه ۳

یادداشت

دوربرگردان خصوصی‌سازی؟



حسین حقگو^۱
کارشناس اقتصادی

سراغ زمین شهرستانش می‌رود». (ویژه‌نامه روزنامه ایران- شهریور ۹۹) آخر سر سراغ عرضه آنها رفته است. طبق آخرین گزارش سازمان خصوصی‌سازی از پرونده واگذاری‌ها، از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا ۱۲ مرداد سال ۹۹، حدود ۱۷۵ هزار میلیارد تومان (۵۸۰-۱۷۵ میلیارد ریال) از سهام و دارایی‌های متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی به بخش غیردولتی واگذار شده است. از این رقم حدود ۷۵ هزار میلیارد تومان مربوط به دولت‌های یازدهم و دوازدهم (از مرداد ۹۲ تا مرداد امسال) بوده است (حدود ۴۳ درصد کل واگذاری‌ها). نکته مهم سهم بخش‌های مختلف از این واگذاری‌هاست؛ طبق آمار سازمان خصوصی‌سازی، فقط حدود ۱۸ درصد واگذاری‌ها تا پیش از دولت‌های یازدهم و دوازدهم به بخش خصوصی بوده و سایر واگذاری‌ها به نهادهای غیردولتی بوده است (نهادهای نظامی، عمومی و انقلاب اسلامی ۴۱ درصد، رد دیون و انتقال سهام ۲۱ درصد و سهام عدالت ۲۰ درصد). درحالی‌که طبق ادعای مسئولان سازمان خصوصی‌سازی با تمام اشکالات بعضا بسیار مهم و ساختاری آن پذیرفت (اگر آن زمان به ما می‌گفتند که آن خصوصی‌سازی که شما از آن دفاع می‌کنید قرار است به اینجا برسد، هیچ‌کس تن شش هزار میلیارد تومان در قالب رد دیون واگذار شده است (معاون سازمان خصوصی‌سازی - ایران - شهریور ۹۹). این پارادوکس یا تناقض سیاستی به چه معناست و چه آینده‌ای را برای نظام بنگاه‌داری کشور می‌توان متصور بود؟ آیا باید پروژه خصوصی‌سازی را شکست‌خورده تلقی کرد و شاهد بازگشت دولت به عرصه بنگاهداری باشیم یا بالعکس عرصه اقتصاد را می‌توان بیش از هر زمان دیگری، بدون نقش‌آفرینی دولت و بازگویی دیگران (نهادهای عمومی غیردولتی، مردم) فرض کرده یا همچنان در بلاتکلیف غایب‌دولتی، سال‌ها گذران کرد؟ رئیس سازمان خصوصی‌سازی به‌تازگی در گفت‌وگویی رسانه‌ای در پاسخ به پرسشی درباره موفقیت یا عدم موفقیت این پروژه، شکست خصوصی‌سازی را رد و عنوان می‌کند که «تاکنون ۹۰۰ شرکت از طریق سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده که از این تعداد پنج یا شش مورد با چالش مواجه شده است». او همچنین از واگذاری «۲۰۰ شرکت باقی‌مانده در لیست واگذاری‌ها در بازه زمانی دو تا سه ساله» خبر می‌دهد که البته غالباً بنگاه‌هایی مشکل‌دار هستند که دولت «مانند کسی است که مشکل مالی دارد و این‌دس سیرده‌های بانکی را خرج می‌کند و سپس طلاها و... را می‌فروشد و دست‌آخر

ادامه در صفحه ۲

واکنش هاشمی به احتمال نامزدی‌اش در انتخابات:

امیدوارم گول نخورم و نیایم

گروه سیاست: هر چه به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم، شرایط انتخاباتی بیش از پیش روشن می‌شود؛ به‌نحوی که بعد از گمانه‌زنی‌های بسیار محمدجواد ظریف صراحتا اعلام کرد که نامزد نمی‌شود، محمد خاتمی...

صفحه ۲

سال هجدهم • شماره ۳۸۳۶ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

هیچ‌کس از جنگ سالم بر نمی‌گردد!

علی‌رضا علوی‌تبار



پرده اول: از بچه‌ها شنیدم که به جبهه آمده، خیلی دلم می‌خواست بینمش، خوشبختانه کاری پیش آمد و باید به محلی که در آن مستقر شده بود، می‌رفتم! چه حسن اتفاقی! از دور که مرا دید با همان لیخند و محبت همیشگی داد زد، اس‌علی (مخفف شیرازی استاد علی!) من هم جواب دادم چاکرم اس‌حبیب! (شهید حبیب روزی‌طلب، متولد ۱۳۳۹، دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، مفقودالجدد در عملیات محرم ۱۳۶۱). نمی‌دانم چرا، ولی همدیگر را با لقب استاد (اس) خطاب می‌کردیم! بعد از سلام و احوال‌پرسی گرم، شروع کردیم به صحبت. معلم اخلاق بود. روزهای پنجشنبه در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان فارس، من سیاست و بحث‌های اندیشه‌شناسی می‌گفتم و او اخلاق. کلاس‌هایش خیلی پرترفدار بود و تأثیرگذار. علتش هم خودش بود، وارسته بود و اخلاقی، از وضعیت کلاس‌ها پرسیدم، گفت پررونق و پرترفدار بوده است. خودم هم نمی‌دانم چرا این سؤال را طرح کردم، پرسیدم بهتر نبود به آموزش بچه‌ها ادامه می‌دادی و کمکمی به تحول آنها می‌کردی؟ خندید و گفت «اس‌علی ما هم دل داریم!». گاهی کدر می‌شود و باید بیاییم برای صیقل‌دادنش. کمی که بیشتر حرف زدیم، گفت که مدتی پیش جنجالی پیرامون کلاس‌ها ایجاد کردند. خاتمی که مسئول یکی از مدارس غیردولتی مذهبی بود، رفته بود و به روحانیون شهر شکایت کرده بود که اینها کلاس «مختلط» اخلاق می‌گذارند! این باعث شده بود که موجی از فشار و توصیه و تهدید بر سرش بیارد. در نهایت هم در جلسه‌ای با حضور این خانم مجبور شده بود توهین و تحقیرهای او را گوش کند و توضیح دهد. ظاهرا مسئله خاتمه یافته بود. عصبانی شدم، گفتم اس‌حبیب در مقابل اینها کوتاه نیا. توهین کردند، توهین کن! والا سوارمان می‌شوند. چشم‌هایش پر از اشک شده بود، اما با لیخند گفت: اس‌علی، ما کسی نیستیم که به مردم خشم بگیریم! کمی خجالت کشیدم. ادامه داد: تا وقتی که خودمان را می‌بینیم، نمی‌توانیم خدا را ببینیم. وقتی از خودمان خالی شدیم، آن وقت از خدا پر می‌شویم. بعد برایم تعریف کرد که بعد از آن جلسه خیلی به آن خانم دعا کرده تا نکند کینه از او به دلش بماند، مایل نبود کینه در دلش باشد! در مقابل حرف‌های او چه می‌توانستم بگویم؟ یکی از بچه‌ها خبر داد که پابین‌ترک نفر نشانه‌ای باقی بماند! گفتم خدا نکند، ان‌شاءالله بمانی و زحمت بکشی! اما چقدر زود به آرزویت رسید! **پرده دوم:** بعدازظهر بود که به مقر رسیدیم. بعد از انجام تماس‌های لازم و دادن درخواست‌ها و سفارش‌ها، جایی برای استراحت و استقرار به ما دادند. روابط عمومی اعلام کرد که اسش قبلی پرسیدم چه نوع فیلمی است، گفت بزین بزن. خوراک من بود. بعد از شام، دو تا کمپوت خنک برداشتم و رقتیم برای دیدن فیلم. فیلم «نخستین خون» بود. در آخرین مرخصی آن را دیده بودم، اما به روی خودم نیآوردم. به یک بار دیگر دیدنش می‌ارزید! وقتی فیلم تمام شد و داشتم برمی‌گشتم به محل استراحت، کاملا در فکر رفته بود و حرف نمی‌زد. گفتم مشتی علی (شهید علی خرم‌فکنوه، متولد ۱۳۲۴، دانشجوی عمران دانشگاه تهران، شهید در منطقه ماووت ۱۳۶۶) چرا تو فکری؟ گفت چیزی نیست. اما چیزی بود! شب احساس می‌کردم که خوابش نمی‌برد و ناراحت است، پرسیدم چیزی شده؟ بلند شد و نشست، صدایش می‌لرزید، گفت سرنوشته ما هم بعد از جنگ همین‌طوری می‌شود. دیدی رفته بود جنگیده بود، اما حالا که برگشته بود، هیچ‌کس دوستش نداشت و به او احترام نمی‌گذاشت. حتی حاضر نبودند توی شهر راه برود! فکرش را بکن ما این لباس‌ها و شکل و شمایل برمی‌گردیم به شهرهایمان، خریدن‌کردن برایمان دشوار است، در معامله ساده‌لوحیم، راحت حرف می‌زنیم و همه برایمان برابرند، آن وقت ما هم دچار مشکل می‌شویم. ما وصله ناجور شهرهایی می‌شویم که به آنها باز می‌گردیم! مانده بودم که چه پاسخی بدهم. شروع کردم به توضیح اینکه مردم آمریکا از جنگ ویتنام راضی نبودند، آنها در این جنگ شکست خوردند، سربازان انگیزه نداشتند و... در مقابل همه آنچه آمریکایی‌ها در جنگ ویتنام نداشتند، آنچه را داشتیم، می‌آوردیم. ولی راستش حالا پرسش او به ابهام و دغدغه من هم تبدیل شده بود! داشتم احساس درماندگی می‌کردم که خودش گفت: حق با توست.

ادامه در صفحه ۴